



فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال هشتم، شماره شانزدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

Analyzing the Concept of “Sperm Settlement” in Traditions and Its Effect on Abortion Rulings from the point of View of Jurisprudence

*Sayyed Saadeq Razavi*¹

*Mohammadali Ghāsimī*²

Abstract

Most of the jurists (Faqahaa) believe that it is forbidden (Haraam) to abolish the sperm settled in the womb; But what has caused the emergence of different opinions is the ambiguity in the concept of sperm settlement (Estiqraare notfeh). Undoubtedly, the explanation of this concept can cause unification of opinions, therefore, it is necessary to answer this question with the method of ijtiḥād, what is the concept of sperm settlement and its effect on the issue of abortion; The three titles of "sperm conveyance in the uterus", "sperm and ovum fertilization in the uterus" and " sperm and ovum's imbedding in the endometrium" can be proposed as possibilities regarding the meaning of sperm settlement. According to the lexical (Loghawī) and common (ʿorfi) evidences and according to the process of embryo formation from the point of view of embryology and also by examining the narrations related to the issue of abortion, it will be clear that what is meant by the sperm settlement is the imbedding of the embryo in the endometrium; As a

1. Researcher of the Medical Jurisprudence in Aimmato al-Athaar (p.b.u.th) Jurisprudential Center (sadeq.razavi8@gmail.com).

2. Director of the Department of Medical Jurisprudence 'A'immah Athār Jurisprudence Center: (ghasemimohammad110@gmail.com).

result, destroying the sperm before the implantation stage will not be an example of illegality (Hormat) of abortion; But from the time of implantation, such a thing will be forbidden.

Keywords: Sperm Settlement, Sperm Conveyance, Sperm Implantation, Fertilization, Abortion.

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال هشتم، شماره شانزدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

واکاوی مفهوم استقرار نطفه در روایات و تأثیر آن در احکام سقط جنین از منظر فقه

سیدصادق رضوی^۱

محمدعلی قاسمی^۲

چکیده

عموم فقیهان بر این باورند که از بین بردن نطفه استقرار یافته در رحم حرام است؛ ولی آنچه باعث اختلاف دیدگاه و پدید آمدن نظریات گوناگون شده، ابهام در مفهوم استقرار نطفه است. بی‌گمان تبیین این مفهوم می‌تواند موجب وحدت آرا شود؛ بنابراین باید با روش اجتهادی به این پرسش پاسخ داد که مفهوم استقرار نطفه و تأثیر آن در مسئله سقط جنین چیست؛ سه عنوان «افراغ نطفه در رحم»، «لقاح اسپرم و تخمک در رحم» و «لانه‌گزینی نطفه در جداره رحم» را می‌توان به عنوان احتمالاتی در مورد معنای استقرار نطفه مطرح کرد. با توجه به قراین لغوی و عرفی و با توجه به فرایند تشکیل جنین از نگاه علم جنین‌شناسی، هم‌چنین با بررسی روایات مرتبط با موضوع سقط جنین، روشن خواهد شد که مراد از استقرار نطفه، لانه‌گزینی جنین در دیواره رحم است؛ در نتیجه از بین بردن نطفه پیش از مرحله لانه‌گزینی از مصادیق حرمت سقط جنین نخواهد بود؛ اما از هنگام لانه‌گزینی (استقرار نطفه) چنین کاری حرام خواهد بود. واژگان کلیدی: استقرار نطفه، افراغ نطفه، لانه‌گزینی نطفه، لقاح، سقط جنین.

فقه واجتهاد / واکاوی مفهوم استقرار نطفه در روایات و...

۱. پژوهشگر فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، sadeq.razavi8@gmail.com.

۲. مدیر گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، Ghasemi mohammad110@gmail.com.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که از صدر اسلام تاکنون مورد توجه عامه مسلمانان قرار گرفته، مسئله سقط جنین و احکام مرتبط به آن است. پرسش‌های بسیاری که راویان حدیث از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در این مورد داشته‌اند، هم چنین استفتائات بی‌شماری که از فقیهان در این باره صورت گرفته، گواه این مطلب است. با گذشت زمان و پیشرفت دانش پزشکی در حوزه جنین‌شناسی، سؤالات جدیدی در این عرصه مطرح شد. با وجود این که می‌توان با مراجعه به متون دینی برای بسیاری از این پرسش‌ها، پاسخ‌های مناسبی یافت؛ ولی مبهم بودن یک مفهوم خاص، استنباط حکم شرعی مرتبط با آن مفهوم را دچار مشکل می‌کند. مفهوم «استقرار نطفه در رحم» از این گونه مفاهیم است.

با توجه به مباحثی که در علم جنین‌شناسی مطرح است، می‌توان برای استقرار نطفه چند احتمال در نظر گرفت. پرسش اصلی این است که با توجه به این که ترجیح هر کدام از این احتمالات در تعیین مصادیق مربوط به احکام سقط جنین، نقش بسزایی دارد، استقرار نطفه‌ای که در روایات مطرح است، ناظر به کدام یک از این احتمالات است؟ آیا مراد از استقرار، إفراغ منی در رحم است تا در نتیجه اسپرم به محض ورود به رحم دارای کرامت انسانی باشد و از بین بردن آن مصداق حرمت سقط جنین باشد؟ یا این که مراد از استقرار نطفه، لقاح اسپرم و تخمک است تا در نتیجه از بین بردن سلول لقاح یافته مصداق حرمت سقط جنین شمرده شود؟ و یا این که استقرار نطفه همان مفهوم لانه‌گزینی در علم جنین‌شناسی است تا در نتیجه مفهوم سقط، زمانی صادق باشد که جنین درحالی که لانه‌گزینی کرده است، از بین برود؟

با توجه به این که امروزه استفاده از روش‌های گوناگون جلوگیری از بارداری در جامعه متداول است و از سویی هر کدام از روش‌ها از یک الگوی خاص در جهت ممانعت از بارداری پیروی می‌کند، برای عموم مؤمنان توجه به این نکته ضروری است که آیا فرایند جلوگیری با به کارگیری از این روش‌ها می‌تواند از مصادیق حرمت سقط جنین باشد؟ زیرا اگر معنای سقط، از بین بردن نطفه‌ای باشد که وارد رحم می‌شود، در این فرض، روش‌هایی که مانع از ورود نطفه به داخل رحم می‌شود، باعث سقط جنین است و حرمت دارد؛ ولی اگر معنای سقط، از بین بردن

سلول لقاح یافته و یا سلول لانه‌گزین شده در جداره رحم باشد، در این صورت‌ها روش‌هایی حرمت خواهد داشت که یا مانع لانه‌گزینی سلول در دیواره رحم شود یا این که باعث از بین رفتن سلول لقاح‌یافته شود. بدیهی است که اگر روشی با سقط جنین محرم تطابق داشته باشد، از نظر فقهی نمی‌توان از آن در راستای جلوگیری از بارداری استفاده کرد. در واقع هدف این نوشتار تبیین مفهوم سقط از دیدگاه فقهی است تا در نتیجه بتوان براین اساس به احکام مربوط به سقط جنین و استفاده از روش‌های گوناگون جلوگیری از بارداری دست یافت.

به نظر می‌رسد ممکن است با تکیه بر قراین گوناگون، معنای استقرار نطفه در روایات را با مفهوم لانه‌گزینی در علم جنین‌شناسی یکی دانست؛ بنابراین حرمت سقط جنین تنها بر سلول لقاح‌یافته در مرحله لانه‌گزینی تطبیق خواهد کرد و مراحل دیگر را شامل نمی‌شود.

جستجو در کتاب‌ها و مقالات، نویسنده را به این نتیجه اطمینان‌بخش رسانده است که تاکنون کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این موضوع نگاشته نشده است؛ اگرچه موضوع یادشده به صورت جزئی و ضمنی در برخی نوشتارهای علمی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس تحقیق در «مفهوم استقرار نطفه در روایات» و پیامدهای حکمی آن ضرورت می‌یابد.

در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی تدوین می‌شود، نخست مفاهیم اصلی و مرتبط با موضوع تحقیق می‌شود. سپس موضوع شناسی پزشکی مربوط به فرایند لقاح تبیین می‌شود و در ادامه هریک از احتمالات مطرح در مفهوم استقرار نطفه و روایات مرتبط با آن بررسی و تحقیق می‌شوند.

۱. واکاوی مفاهیم محوری

در راستای فهم درست از معنای استقرار نطفه در رحم، نخست به بررسی مفاهیم محوری و مرتبط می‌پردازیم:

۱-۱. مفهوم نطفه

نطفه در لغت به معنای آب صاف اندک، آب جاری یا آب ریخته شده آمده است. ۵۳

اگرچه بعضی آن را برای مایع جنسی مرد (اسپرم) نیز به کار برده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۳۳۴. ابن‌فارس ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴۰)، برخی نیز آن را بر مجموع مایع جنسی مرد و زن اطلاق کرده‌اند (معلوف، ۱۹۹۲م، ص ۸۱۶).

در اصطلاح متشرعان نطفه به مایع سفیدی اطلاق می‌شود که همانند فضولات بینی غلیظ است. این مفهوم در روایتی از امام باقر علیه السلام در تعریف نطفه آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵).

۱-۲. مفهوم جنین

جنین بر وزن «فعلیل» به معنای مفعول (صدر، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۹۴) از ماده «جن» گرفته شده و منظور از آن هر چیز پوشیده شده (مستور) است؛ از این رو به انسان در رحم مادر جنین گفته می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۹۳) و در قرآن کریم نیز به همین معنا اشاره شده است: «إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَّةٌ فِي بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم: ۳۲). از نظر علم پزشکی، سلول لقاح یافته که متشکل از دو سلول جنسی زن و مرد است، از لحظه لقاح تا پایان هفته هشتم، «رویوان» (Embryo) و پس از آن «جنین» (Fetus) نامیده می‌شود (ر.ک: معینی و آخوندی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹ - ۳۱۱).

۱-۳. مفهوم استقرار

واژه استقرار در لغت از ماده «قر» گرفته شده و بدین معناست که چیزی در مکانی ثابت و جاگیر شود. (استقر بالمكان: تَمَكَّنَ وَ سَكَنَ) (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۵). در واقع این کلمه بر مکان گزیدن دلالت می‌کند. مکان گزینی تلویحاً اشاره به ثبات و عدم تغییر دارد.

۲. فرایند بارداری در رحم

بی‌گمان موضوع‌شناسی دقیق در مورد یک حکم شرعی می‌تواند در نوع استنباط حکم دخالت مستقیم داشته باشد، به طور قطع علوم جدید از جمله علم پزشکی می‌تواند در فهم موضوعات فقهی کمک چشمگیری کند؛ از این رو نخست باید به بررسی فرایند بارداری در یافته‌های دانش پزشکی پرداخت. از نظرگاه پزشکی فرایند

بارداری را می‌توان در دو موضوع «لقاح» و «لانه‌گزینی» واکاوی کرد.

۲-۱. لقاح

نخست باید به این پرسش پاسخ داد که از لحاظ دانش پزشکی، لقاح و تشکیل جنین در رحم چگونه انجام می‌شود؟ هر ماه یک تخمک بالغ شده (گامت ماده) از تخمدان خارج می‌شود و در حفره‌ای به نام آمپولار منتظر اسپرم می‌ماند. از سویی از میان میلیون‌ها اسپرمی که وارد رحم می‌شوند، حدود دویست تا سیصد اسپرم موفق می‌شوند خود را به این ناحیه برسانند. از میان آنها نیز تنها یک اسپرم موفق به لقاح می‌شود. وقتی سر اسپرم داخل تخمک شد، تخمک و اسپرم ساختار اصلی خود را از دست می‌دهند و موجودی به نام «نطفه» تولید می‌شود (رضوی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵). البته باید به این نکته توجه داشت که برای تشکیل نطفه، اسپرم باید خود را به قسمت انتهایی لوله رحم برساند. این مهم یکی از شروط اصلی برای لقاح اسپرم و تخمک است. در این کار، حکمتی وجود دارد و آن اینکه برای لانه‌گزینی، تحقق دو شرط لازم است:

۱. تخمکی که بارور شده است تکامل یابد و وارد مرحله‌ای شود که بتواند توسط سلول‌های تغذیه کننده به دیواره رحم بچسبد.
 ۲. آماده شدن جداره مخاطی رحم برای پذیرش تخمک بارور شده از راه تکثیر غدد و افزایش ترشحات و ذخیره‌سازی گلیکوژن (تولیدکننده مواد قندی) و کلسیم در سلول‌های خود. این کار با استفاده از تأثیر هورمون پروژسترون که به وسیله جسم زرد ترشح می‌شود، انجام می‌شود.
- مدت زمان لازم برای تحقق این دو شرط به همان مقداری است که تخمک لقاح‌یافته از انتهای لوله رحم حرکت می‌کند و به داخل رحم می‌رسد. این مدت به طور تخمینی هفت روز است (همان).

۲-۲. لانه‌گزینی

وقتی زمان تخمک‌گذاری نزدیک شد، لایه داخلی رحم حدود سه تا چهار میلی‌متر ضخامت دارد. پس از تخمک‌گذاری هورمون جنسی زنانه (پروژسترون) افزایش

می‌یابد. پروژسترون سبب ترشح غدد آندومتر می‌شود و باعث می‌شود رحم برای لانه‌گزینی جنین آماده شود (همو، ۱۳۹۰، ص ۳). به طور تقریبی ماهی یک بار، یک لایه بافت آندومتری در رحم ایجاد می‌شود تا آماده دریافت سلول تخمک لقاح‌یافته باشد. در این صورت اگر تخمک لقاح‌یافته‌ای وجود نداشته باشد، این لایه ریزش می‌کند و خونریزی قاعدگی رخ می‌دهد (www.imna.ir, 1400, p.1).

اگر لقاح صورت گرفته باشد، ظرف مدت ۲۴ ساعت پس از آن سلول تخم به سرعت تقسیم می‌شود و سلول‌های فراوانی را تولید می‌کند. این توده کوچک سلولی پس از لقاح، حدود سه روز در لوله رحمی موسوم به «لوله فالوپ» (Fallopian Tube) باقی می‌ماند. سپس تخمک بارور شده که «بلاستوسیت» (Blastocyte) نام دارد، همچنان که به آرامی از لوله‌های رحمی به سمت رحم در حال حرکت است، تقسیم می‌شود. پس از رسیدن به فضای رحم، کار بعدی بلاستوسیت، اتصال به آندومتر است. به این عمل «لانه‌گزینی» یا «کاشت» (Implantation) گفته می‌شود. پیش از لانه‌گزینی، بلاستوسیت از پوشش محافظ خود خارج می‌شود. هنگامی که بلاستوسیت به آندومتر برخورد می‌کند، هورمون‌هایی بین آن دو ردوبدل می‌شود تا به اتصال آن به دیواره رحم کمک کند. در بعضی موارد فرایند لانه‌گزینی بلاستوسیت در طی یک تا دو روز، با خونریزی جزئی همراه است.^۱ این یک پدیده طبیعی است. در این مرحله، آندومتر ضخیم‌تر می‌شود و «دهانه رحم» (Cervix) که حد فاصل بین رحم و کانال زایمان است، توسط یک پلاک مخاطی کاملاً بسته می‌شود (blog.faradars.org, 1400, pp.1). در نهایت سلول‌های بلاستوسیت به یک توپ کوچک سلولی تبدیل و به‌طور کامل در دیواره رحم پنهان می‌شوند.

۳. احتمالات گوناگون در معنای استقرار نطفه

چند احتمال می‌توان در مورد مفهوم استقرار نطفه در روایات در نظر گرفت که التزام به هریک از آنها می‌تواند در احکام مربوط به سقط جنین تأثیرگذار باشد: احتمال نخست این‌که منظور از استقرار نطفه، افراغ نطفه در رحم باشد. مطابق این احتمال،

۱. مراد از خونریزی در مرحله لانه‌گزینی، لکه‌بینی است که در عبارت تسامح وجود دارد. از نظر پزشکی ممکن است در هنگام لانه‌گزینی، برخی از زنان دچار لکه‌بینی جزئی شوند که می‌توان از آن تسامحاً به خونریزی تعبیر کرد. بنابراین عرفاً با استقرار نطفه، خونریزی قطع می‌شود.

نطفه از زمانی که وارد رحم می‌شود، در آن استقرار یافته است. بنابراین پس از ورود اسپرم به رحم، هرگونه جلوگیری و اختلال در حرکت اسپرم می‌تواند مصداقی از سقط جنین شمرده شود. دومین احتمال این است که استقرار نطفه به معنای لقاح اسپرم و تخمک است. در نتیجه حرمت سقط، پس از زمان لقاح معنا می‌یابد. احتمال سوم این است که سلول لقاح‌یافته خود را به دیواره رحم برساند و لانه‌گزینی کند. بنا بر این احتمال، زمانی موضوع حرمت سقط جنین شکل می‌گیرد که نطفه در دیواره رحم لانه‌گزینی کند. در این صورت از بین بردن نطفه پیش از این مرحله مصداق حرمت سقط جنین نخواهد بود. با توجه به قراین و شواهد گوناگونی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، به نظر می‌رسد مراد از استقرار نطفه، مرحله لانه‌گزینی جنین در دیواره رحم است. هم چنین بررسی روایات مربوط به دیه جنین نشان می‌دهد تمام روایات ناظر به مرحله‌ای است که جنین در رحم لانه‌گزینی کرده است، در ادامه ابتدا قراین و شواهدی ذکر می‌شود که دیدگاه سوم در بحث را تقویت می‌کند و سپس بررسی روایات مربوط به این بحث مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳-۱. قرینه لغوی

همان گونه که در بحث مفاهیم گذشت، واژه «استقرار» به معنای مکان‌گزیدن و جاگیر شدن است. (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۵). روشن است که این معنای لغوی با احتمال سوم سازگار است؛ زیرا در احتمال سوم، استقرار به معنای لانه‌گزینی جنین در دیواره رحم در نظر گرفته شده است و در معنای لغوی نیز استقرار به معنای مکان‌گزینی است؛ بنابراین باید استقرار نطفه در رحم را لانه‌گزینی نطفه در رحم معنا کرد. در واقع پیش از مرحله لانه‌گزینی، استقرار برای نطفه وجود ندارد و نطفه در جایگاه و منزلی سکونت ندارد. از زمانی که وارد رحم می‌شود، پیوسته در حال حرکت است و هیچ‌گونه استقرار برای او قابل تصور نیست؛ بلکه به صورت سیال در رحم در حال حرکت است.

۳-۲. قرینه عرفی

۵۷ برای روشن شدن معنای استقرار نطفه، نخست باید عرف زمان صدور روایات را در

نظر گرفت و بررسی کرد که آیا عرف متشرعان در آن زمان نشانه‌ای برای استقرار نطفه می‌شناسد یا خیر؟ به طور معمول عرف زمان صدور روایت و بلکه عرف در زمان ما نیز عموماً خون ندیدن ماهیانه زن را نشانه استقرار نطفه در رحم در نظر می‌گیرد؛ زیرا هنگامی که زنی عادت ماهیانه‌اش به تأخیر افتاد و از سویی با مردی مقاربت جنسی داشته است که می‌تواند عامل حاملگی باشد- در صورتی که جزو استثنائات مانند زن شیرده نباشد- در این صورت از دیدگاه عرف، ندیدن خون، نشانه استقرار در رحم است؛ اگرچه یک علامت قطعی قلمداد نمی‌شود. استقرار نطفه در عرف به معنای احتمال آغاز بارداری است که درک آن به تخصص پزشکی نیاز ندارد؛ از آن‌رو که روایات به عرف عام القا شده است، استقرار نطفه در آنها یک معنای مفروغ‌عنه در نظر گرفته شده است. از نظر علم جنین شناسی نیز زمانی که سلول لقاح یافته خود را به دیواره رحم برساند و در آن لانه گزینی کند، دیواره رحم فرو نمی‌ریزد و زن عادت ماهیانه خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین با توجه به این نشانه عرفی و با توجه به هم‌زمانی لانه گزینی جنین و قطع عادت ماهیانه، می‌توان لانه گزینی جنین از نظر علم پزشکی را همان استقرار نطفه عرفی در نظر گرفت.

روشن است که در این مجال از دلیل عرفی (عام و خاص) به عنوان مؤید استفاده نشده است تا به حجیت یا عدم حجیت آن پرداخته شود؛ زیرا استقرار نطفه از زمان صدور روایت تاکنون یک معنای مشخص دارد. آنچه مبهم است، تطابق این معنای عرفی با یکی از حالاتی است که پزشکی جدید در فرایند بارداری به آن دست یافته است (افراغ نطفه در رحم، تلقیح، لانه‌گزینی). درواقع با توجه به قرینه‌ای که عرف برای کشف استقرار نطفه می‌شناسد (قطع خونریزی)، می‌توان گفت عقل عنوان استقرار نطفه را بر مفهوم لانه گزینی تطبیق می‌دهد؛ زیرا از سویی افراغ نطفه در رحم را به طور قطع و یقین نمی‌توان استقرار نطفه قلمداد کرد؛ چراکه در بسیاری از موارد، افراغ نطفه به استقرار آن نمی‌انجامد از سوی دیگر برای عرف، تشخیص زمان لقاح اسپرم و تخمک امکان‌پذیر نیست تا بتوان بر اساس آن او را به احکام مربوط به استقرار نطفه مکلف کرد؛ بنابراین تنها موردی که استقرار نطفه در نظر عرف را می‌توان بر آن تطبیق داد، مفهوم لانه‌گزینی است.

۳-۳. معنای لغوی جنین

با دقت در معنای واژه «جنین» می‌توان گفت زمانی به سلول لقاح‌یافته «جنین» گفته می‌شود که سلول در جداره رحم لانه‌گزینی کند؛ ولی در مراحل پیش نمی‌توان به آن جنین گفت؛ زیرا جنین در لغت به معنای هر چیز پوشیده‌شده و مستور آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۹۳). زمانی که جنین در جداره رحم قرار می‌گیرد، به‌طور کامل در آن فرو می‌رود. در این حالت می‌توان گفت جنین پوشیده شده است؛ ولی در مراحل پیش از لانه‌گزینی نمی‌توان گفت جنین توسط رحم پوشیده شده است؛ بلکه در فضای رحم معلق است. درحقیقت رحم ظرفی است که نطفه در آن قرار دارد؛ مانند این‌که اگر شخصی در اتاقی قرار داشته باشد، گفته نمی‌شود دیوارهای اتاق او را پوشانده‌اند؛ بلکه می‌گویند: «آن شخص در آن اتاق قرار دارد»؛ ولی در مورد لباس‌هایش گفته می‌شود: «این لباس‌ها او را پوشانده‌اند». در مورد جنین نیز وضع مشابهی قابل تصور است.

۴. روایات مرتبط با استقرار نطفه

روایاتی در مورد دیه جنین وجود دارد که اشاره می‌کند به اینکه حتی در مراحل اولیه آفرینش جنین که درواقع همان زمان استقرار نطفه است، سقط حرام است. پرسش این است که مراد از مرحله نخست آفرینش، خلقت، کدام مرحله است؟ به دیگر سخن روایاتی که حرمت سقط نطفه را مطرح می‌کنند، ناظر به کدام مرحله از مراحل نطفه در رحم هستند؟ با توجه به احتمالات سه‌گانه‌ای که به آن اشاره شد، می‌توان گفت مراد از مرحله اول خلقت یکی از صورت‌های افراغ نطفه در رحم، لقاح اسپرم و تخمک در آن یا لانه‌گزینی سلول لقاح‌یافته در دیواره رحم است. برای روشن شدن معنای استقرار نطفه در روایات باید روایاتی را بررسی کرد که در آنها به موضوع استقرار نطفه اشاره شده است. ممکن است در بعضی روایات، عبارت «استقرار نطفه» نیامده باشد؛ ولی با دقت در روایت معلوم می‌شود مورد روایت، مربوط به کدامیک از احتمالات مطرح‌شده است.

۴-۱. روایت اول: موثقه اسحاق بن عمار

نخستین روایت موثقه اسحاق بن عمار است که شیخ حر عاملی تحت عنوان «باب أنه يحرم على المرأة شرب الدواء لطرح الحمل ولو نطفه» آورده است: «محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسین بن سعید عن ابن أبی عمیر عن محمد بن أبی حمزه وحسین الرواسی جميعاً عن اسحاق بن عمار قال: قلت: لأبى الحسن المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها؟ قال: لا فقلت: انما هو نطفة فقال: إن أول ما یخلق نطفه» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص ۱۷۱)؛ راوی می‌گوید از امام پرسیدم زنی از حمل می‌ترسد؛ پس دارویی می‌خورد تا آنچه در شکم دارد، سقط کند [آیا این کار جایز است؟] امام در پاسخ می‌فرماید: خیر [جایز نیست]. راوی می‌گوید این [حمل] هنوز نطفه است [و رشدی نکرده است. آیا با این حال نیز حرمت دارد؟] امام پاسخ می‌دهد: همانا نخستین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است».

۴-۱-۱. وجه استدلال به روایت

بعضی از فقیهان بر این باورند که مفهوم روایت در مورد زنی است که از حامله شدن و بارداری هراس دارد؛ از این رو پس از آمیزش، دارویی مصرف می‌کند و آن چه در رحم بوده است از بین می‌رود (قائمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۴۵). راوی می‌پرسد که آیا خوردن چنین دارویی جایز است؟ امام در پاسخ می‌فرماید: جایز نیست. راوی می‌گوید: آن چه از بین رفته، نطفه‌ای بیش نیست؛ چگونه می‌شود از بین بردن آن حرام باشد؟ امام در پاسخ می‌فرماید: مبدأ آفرینش انسان نطفه است؛ یعنی حتی اگر هنوز جنین شکل و شمایل نیز به خود نگرفته و در مرحله نطفگی باشد، از بین بردن آن جایز نیست. با توجه به این که ظاهراً روایت در مورد زنی است که باردار نیست؛ بلکه از بارداری می‌ترسد، باید گفت طبق این روایت، حتی پیش از حاملگی نیز زن نباید دارویی بخورد که به از بین رفتن نطفه داخل رحم بینجامد. براین اساس مفهوم روایت این است که هر جا در رحم، نطفه بودن صادق باشد، از بین بردن آن حرام است؛ به این معنا که نطفه در ابتدای ورود به رحم مورد احترام است و نباید آن را از بین برد؛ در نتیجه معنای استقرار نطفه، همان إفراغ نطفه در رحم است.

۲-۱-۴. بررسی سند روایت

راوی اول در سند حسین بن سعید بن حماد بن مهران الاهوازی است که در کتب رجال توثیق شده است و از امام جواد، و امام رضا و امام موسی کاظم علیهم السلام نقل حدیث می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۰ حلی، ۱۴۰۲ ق، ص ۴۹)؛ بنابراین مورد اعتماد است.

راوی دیگر ابن‌ابی‌عمیر محمد بن زیاد بن عیسی مکنی به «أبا‌احمد» است که نجاشی در مورد او می‌گوید جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلة در میان فریقین بوده است؛ وثاقت ایشان به گونه‌ای است که اصحاب به مراسیل او نیز اعتماد می‌کنند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۶). از سویی ایشان جزو اصحاب اجماع است؛ بنابراین درخور اعتماد خواهد بود.

راوی دیگر محمد بن ابی‌حمزة ثابت بن ابی‌صفیة الثمالی است. نجاشی می‌گوید او کتابی دارد (همان، ص ۳۵۸). کشی نیز نقل می‌کند که همه فرزندان ابی‌حمزه ثقه و فاضل بوده‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۰۷)؛ لذا این راوی نیز درخور اعتماد است.

در مورد حسین بن عثمان الرواسی، شیخ طوسی در فهرست می‌گوید او کتابی دارد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۷). کشی در رجال خود از حمدویه نقل می‌کند که حماد و جعفر و حسین که از فرزندان عثمان بن زیاد رواسی هستند، همگی فاضل و ثقه‌اند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۷۰)؛ بنابراین راوی درخور اعتماد است.

در کتب رجالی آمده است که اسحاق بن عمار جزو بزرگان از اصحاب امامیه است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۲)؛ ولی برخی می‌گویند او فطحی‌مذهب بوده؛ اما ثقه است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹). براین‌اساس برخی از علما معتقدند در صورتی‌که او در نقل حدیثی منفرد باشد، نمی‌توان به آن حدیث عمل کرد (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷) یا این‌که بهتر است به آن عمل نشود (حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۰۰)؛ ولی ظاهراً این راوی بین دو نفر مردد است؛ اسحاق بن عمار بن حیان الصیرفی و اسحاق بن عمار بن موسی السباباطی. ولی به دلیل اینکه نام جد در سند ذکر نشده است و از سویی هم‌عصر یکدیگرند، تشخیص اینکه مراد کدام‌یک از آن دو نفرند، دشوار است. به‌هرروی با توجه به این‌که وثاقت هر دو نفر محرز است، می‌توان این راوی را درخور اعتماد دانست. حاصل آن‌که سند روایت یادشده مورد اطمینان است و حدیث موثق است.

۳-۱-۴. بررسی دلالت روایت

با دقت در روایت روشن می‌شود چنین برداشتی از روایت صحیح نیست؛ بلکه روایت از بین بردن نطفه‌ای را حرام می‌شمارد که در رحم به صورت حمل، استقرار یافته باشد و موضوع بارداری مطرح باشد (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۷۲). در واقع روایت مربوط به زنی است که باردار است و می‌خواهد با خوردن دارویی، جنین داخل رحم را در مرحله نطفگی از بین ببرد. برای روشن شدن این مدعا باید روایت به دقت بررسی شود.

نخستین جمله‌ای که باید در این روایت به آن توجه شود، جمله «تخاف الحبل» است. نخست باید مفهوم این جمله روشن شود. دو احتمال در این جمله وجود دارد: اولین احتمال این که مراد زنی است که از باردار شدن می‌ترسد و از سویی احتمال بارداری در او داده می‌شود؛ مانند زنی که به تازگی آمیزش انجام داده است و احتمال می‌دهد بر اثر آن فرزند به وجود آید. در این فرض، زن دارویی می‌خورد که احتمال باردار شدن را از خود دور کند. احتمال دیگر این است که روایت در مورد زنی است که می‌داند بی‌گمان باردار است؛ ولی به هر دلیل از فرزند داخل رحم خود بیم دارد؛ یعنی از ادامه این بارداری در هراس است.

با توجه به شواهدی که در ادامه این نوشتار به آن اشاره خواهد شد، به نظر می‌رسد منظور از «الحبل» در روایت، جنین در داخل رحم است؛ نه آن که معنای مصدری داشته باشد تا به صورت «حامله شدن» معنا شود. در حقیقت معنای این فقره از روایت آن است که زنی از فرزند داخل رحم خود می‌ترسد. مورد روایت مربوط به زنی است که بی‌گمان حامله است و می‌خواهد با خوردن دارویی، جنین را از بین ببرد؛ بنابراین مراد از نطفه‌ای که در روایت به آن اشاره شده، نطفه‌ای است که در رحم به صورت حاملگی استقرار یافته است؛ یعنی مراد جنینی است که در جداره رحم لانه‌گزینی کرده است. این برداشت شواهدی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱. مراجعه به لغت «الحبل» نشان می‌دهد این واژه هم می‌تواند معنای مصدری داشته باشد و هم معنای اسمی؛ بنابراین باید گفت دو احتمال در معنای روایت وجود دارد: در لغت آمده است: حَبِلَ يَحْبِلُ حَبْلًا، حَبَلَتِ الْمَرْأَةُ: حملت فهی حابله

ج: حَبَلَه، حُبْلَى ج: حَبَالَى، حَبَلِيَّات و حَبْلَانَه... حَبْلٌ و أَحْبَلَهَا: صَيَّرَهَا حُبْلَى، الْحَبْلُ: الولد في بطن أمه، إِمْتَلَأَ الرَّحِمَ (معلوف، ۱۹۹۲م، ص ۱۱۵).

۲. در اغلب استعمالات مربوط به فعل «خاف يخاف» این گونه آمده است که اگر شخصی بخواهد ترس خود را از یک فعل ابراز کند، معمولاً فعلی را که از آن می ترسد، به صورت آن مصدریه و فعل مضارع پس از ماده «خوف» می آورد؛ مثلاً در قرآن کریم آمده است: «وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذَّنْبُ» (یوسف: ۱۳)؛ ولی زمانی که شخص بخواهد ترس خود را از یک شخص یا یک شیء خارجی نشان دهد، آن شخص یا شیء را به صورت اسم پس از ماده «يخاف» استفاده می کند. در این روایت، استعمال به صورت دوم است؛ یعنی مرادِ راوی ترس از جنین داخل رحم است و مورد سؤال راوی مربوط به زنی است که قطعاً باردار است. مراد راوی این نیست که زن از بیم حامله شدن دست به چنین کاری زده است و به بارداری خود یقین ندارد. در نتیجه معنای این فقره از روایت این است که زن از فرزند داخل رحم خود در هراس است.

در توضیح مطلب می توان گفت دقت در استعمال واژه «خاف يخاف» در قرآن کریم نشان می دهد ذکر مفعول به، پس از این واژه از یک قانون غالبی پیروی می کند؛ یعنی در صورتی که مفعول به اسم باشد، به صورت مفرد معرف به ال یا معرف به اضافه یا به صورت اسم نکره پس از این فعل می آید؛ مانند آیه ۱۰۳ سوره هود که می فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ» و یا آیه ۴۰ سوره نازعات که می فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» و یا در آیه ۱۱۲ سوره طه می فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلُمًا وَلَا هَضْمًا». ولی در صورتی که متکلم بخواهد بگوید من از این فعل ترس دارم، استعمال به گونه ای دیگر است؛ برای نمونه در این روایت متکلم اگر می خواست بگوید از باردار شدن که یک فعل است، ترس دارم، با توجه به موارد استعمال واژه «خاف يخاف» مفعول به معمولاً به صورت آن مصدریه و فعل مضارع می آید.

بنابراین در مورد روایت اگر سائل می خواست بگوید آن زن از حامله شدن می ترسد، باید به این صورت می گفت که «المرأة تخاف أن تحمل» یا «من أن تحمل»

و یا «مِنْ أَنْ تَحْبَلَ»؛ ولی با توجه به این که به صورت اسمی آورده است و در معنای لغوی گذشت که الحَبَل به معنای «الولد فی بطن أُمّه» آمده است؛ (معلوف، ۱۹۹۲م، ص ۱۱۵)، احتمال صحیح در معنای روایت این است که آن زن از فرزند داخل رحم خود بیم دارد؛ نه آن که از باردار شدن می ترسد. آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که چنین استعمالی را تأیید می کند؛ از جمله آیه ۲۲۹ سوره بقره که می فرماید: «وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ» یا آیه ۱۰۸ سوره مائده که می فرماید: «ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ» در این آیات، ترس از یک فعل مراد و منظور در آیه است؛ لذاست که پس از فعل «خاف» مفعول به صورت ترکیب آن مصدریه و فعل مضارع آمده است.

۳. در روایت، عبارت «فتلقى ما فی بطنها» آمده است. «تلقى» از باب إفعال به معنای طرح کردن است. این کلمه قرینه است بر این که پیش از طرح و إسقاط، وجود حمل در رحم یقینی است؛ وگرنه اگر حملی در رحم به طور یقینی وجود نداشته باشد، استعمال ماده «إلقاء» بی معناست. روایت می گوید بر اثر شرب دارو، آن چه در رحم بوده، سقط شده است. این تعبیر نشان می دهد پیش از شرب، حملی در رحم وجود داشته است.

۴. اگر کسی بگوید واژه «إلقاء» با احتمال بارداری تناسب دارد، به این بیان که وقتی زن پس از آمیزش، دارو مصرف می کند و باعث می شود بارداری به وجود نیاید، این عمل می تواند مصداق عرفی إلقاء باشد؛ یعنی همین که زن با خوردن دارو باعث می شود آنچه در رحم بوده، از بین برود، در واقع مصداق إلقاء را محقق کرده است.

در پاسخ باید گفت عرف در این مسئله مصداقی برای إلقاء نمی یابد. فرض کنید اگر منی مرد داخل رحم شود و زن بدون این که ضربه ای به خود بزند یا چیزی بخورد، کاری کند که منی از رحم او بیرون بریزد، سؤال این است که آیا اینجا عرف می گوید این زن آن چه در شکم داشت، انداخته است؟ به نظر می رسد پاسخ منفی باشد.^۱ إلقاء فرع بر استقرار است و تا زمانی که نطفه به صورت حمل در رحم

۱. همان گونه که برخی دانشوران این حوزه در صدق اسقاط بر این گونه موارد تردید کرده اند (ر.ک: قائمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۴۴).

استقرار نداشته باشد، تعبیر به إلقاء بی‌معناست.

۵. زمانی که دخول و انزال منی در داخل رحم صورت نگیرد؛ ولی به گونه‌ای باشد که احتمال جذب اسپرم توسط رحم وجود داشته باشد یا این که دخول همراه با عزل صورت بگیرد، در این صورت اگر حکم حرمت سقط در فرض احتمال بارداری ثابت باشد، باید در این حالات از خوردن دارویی که موجب سقط است، اجتناب شود؛ زیرا در این فروض نیز احتمال بارداری وجود دارد؛ درحالی‌که قائلان به حرمت مطلق سقط، چنین حکمی را نخواهند پذیرفت؛ مگر این که گفته شود حرمت سقط در فرضی وجود دارد که درصد بالایی از احتمال بارداری وجود داشته باشد؛ ولی روشن است که چنین ادعایی بدون دلیل است.

۶. اگر فقیهی این روایت را ناظر به تفصیل دانست، به این صورت که از بین بردن نطفه (اسپرم) پیش از تلقیح جایز باشد؛ ولی پس از تلقیح جایز نباشد (قائمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۴۵)، باید گفت چنین تفصیلی فاقد دلیل است؛ زیرا موضوع حرمت (احتمال بارداری) همان‌طور که پس از تلقیح وجود دارد، پیش از آن نیز قابل تصور است؛ بنابراین نمی‌توان گفت نطفه پس از تلقیح در رتبه‌ای قرار دارد که قابلیت تبدیل شدن به یک انسان را دارد؛ ولی پیش از آن چنین قابلیت‌ی ندارد؛ زیرا این رتبه در مرحله پیش از تلقیح نیز با شدت کمتری وجود دارد. در واقع در تمام این مراحل، نطفه بالقوه می‌تواند به انسان تبدیل شود؛ ولی زمانی که در دیواره رحم لانه‌گزینی کرد، نطفه بالفعل قابلیت تبدیل شدن به انسان را دارد؛ از این‌رو باید بین مراحل بالقوه و مرحله بالفعل تفصیل داد. به دیگر سخن مبدأ پیدایش انسان نطفه‌ای است که در دیواره رحم قرار می‌گیرد در این مرحله نمی‌توان گفت نطفه در رتبه‌ای قرار دارد که قابلیت تبدیل شدن به انسان را دارد؛ بلکه باید گفت نطفه همه مراتب بالقوه را پیموده است و اکنون در مرحله بالفعل از آفرینش انسان قرار دارد.

همچنین با توجه به این که در زمان صدور روایت، تشخیص زمان تلقیح اسپرم و تخمک برای مخاطب مقدور نبوده؛ بلکه به‌طور کلی مقوله‌ای به نام «تلقیح» برای سامع ناشناخته بوده است، نمی‌توان مورد روایت را مربوط به قبل یا بعد از تلقیح فرض کرد.

با توجه به شواهد و قرائن موجود باید گفت روایت در مورد زنی است که

باردار است؛ در نتیجه روایت بر حرمت ازبین بردن نطفه‌ای که در رحم ریخته شده یا نطفه‌ای که لقاح یافته است، دلالت نمی‌کند.

۴-۲. روایت دوم: موثق ابن فضال

در روایت موثق ابن فضال از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که ایشان تضييع منی مرد توسط دیگری را موجب ديه دانسته‌اند: «محمد بن يعقوب بأسانیده الی کتاب ظریف عن أمير المؤمنين علیه السلام قال جعل ديه الجنين مائة دينار وجعل منی الرجل الی أن یكون جنیناً خمسة أجزاء... وأفتی علیه السلام فی منی الرجل یفرغ (یفرغ خ.ل) عن عرسه فیعزل عنها الماء ولم یرد ذلك نصف خمس المائة عشرة دنائیر واذا أفرغ فیها عشرین دیناراً الحديث، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۴۳).

در این روایت، امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید چنانچه مردی با ترساندن دیگری سبب تضييع منی وی گردد باید نصف یک پنجم ديه (ده دینار) را به وی بپردازد. از این روایت جهت تقویت احتمال اول در معانی استقرار نطفه بهره می‌گیریم.

۴-۲-۱. وجه استدلال به روایت

شاهد در ذیل روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد منی مرد به ديه حکم می‌کند. این حکم نشان می‌دهد ازبین بردن نطفه حتی در مرحله پیش از لانه‌گزینی و لقاح نیز مجاز نیست و ازبین‌برنده آن باید ديه پرداخت کند. بنابراین حتی اگر نطفه در مرحله افراغ منی در رحم باشد، حرمت دارد و ازبین بردن آن جایز نیست. در نتیجه استقرار نطفه در روایات به معنای افراغ منی در رحم است؛ یعنی از زمانی که نطفه در رحم قرار می‌گیرد، استقرار نطفه محقق شده و ازبین بردن آن شرعاً حرام است.

۴-۲-۲. بررسی سند روایت

این روایت را کلینی با دو سند ذکر می‌کند. در سند اول می‌گوید: «علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن فضال و محمد بن عیسی عن یونس جمیعاً قالاً عرضنا کتاب الفرائض عن أمير المؤمنين علیه السلام علی أبي الحسن الرضا علیه السلام فقال هو صحيح». در این روایت ابن فضال و یونس بن عبد الرحمن می‌گویند کتاب الفرائض را به امام رضا علیه السلام عرضه کردیم حضرت فرمود این کتاب صحیح است. اگر این اسناد معتبر باشد،

معلوم می‌شود این کتاب مورد تأیید امام رضا علیه السلام قرار گرفته است.

در سند دوم این گونه می‌فرماید: «عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن الحسن بن ظریف عن أبيه ظریف بن ناصح قال حدثني رجل يقال له عبدالله بن أيوب قال حدثني أبو عمرو المتطّيب قال عرضته على أبي عبدالله قال أفتى أمير المؤمنين عليه السلام فكتب الناس فتياه وكتب به أمير المؤمنين عليه السلام إلى أمرائه ورؤوس أجناده...». در این سند، سخن از عرضه کتاب به امام صادق علیه السلام در میان است. اگر این سند معتبر باشد، می‌توان به این کتاب اعتماد کرد.

در سند اول، نخستین راوی علی بن ابراهیم بن هاشم، صاحب تفسیر قمی است. علمای رجال او را ثقه و مورد اطمینان در نقل حدیث و امامی معرفی می‌کنند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰، حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۰۰، برقی، بی‌تا، ص ۲۳۷).

دومین راوی ابو اسحاق ابراهیم بن هاشم از بزرگان امامیه است. کشی او را از یاران امام رضا علیه السلام و شاگرد یونس عبدالرحمن دانسته است؛ ولی نجاشی در این امر مردد است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶). برخی نیز می‌گویند اگرچه در مورد او تصریح به قدح یا تعدیل نشده است، ولی ارجح این است که قول او پذیرفته شود (حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۴). به نظر می‌رسد با اینکه صراحتی در توثیق او وجود ندارد، ولی ایشان ثقه و مورد اطمینان است؛ زیرا نشر احادیث در میان قمیون توسط ایشان نشان می‌دهد آنها حدیث او را پذیرفته‌اند؛ در حالی که قمی‌ها در مورد راوی بسیار سختگیری می‌کردند و بسیاری را به خاطر روایت از مجاهیل یا اعتماد بر مراسیل از خود می‌رانند. (بحر العلوم، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۴) بنابراین این راوی مورد اعتماد است.

راوی دیگر حسن بن علی بن فضال است. شیخ طوسی می‌گوید از امام رضا علیه السلام روایت نقل می‌کند و مردی جلیل‌القدر و بلندمرتبه بوده و در نقل حدیث ثقه است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۳، همو، ۱۳۷۳، ص ۳۵۴). کشی می‌گوید او فطحی‌مذهب بوده؛ ولی در هنگام مرگ به امامت امام رضا علیه السلام شهادت داده است. (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۳۶). او هم چنین با نقل روایتی تاریخی از فضل بن شاذان درباره میزان زهد و تقوای ابن فضال، او را از راویان مورد اعتماد می‌داند (همان، ص ۸۰۱ و ۸۰۲). بنابراین می‌توان به حدیث او اعتماد کرد. در نتیجه طریق اول در سند درخور اعتماد است.

راوی دیگر که در طریق دوم در سند اول آمده، ابوجعفر محمد بن عیسی بن

عبید بن یقظین بن موسی است. علما در مورد او اختلاف کرده اند. بعضی او را ثقه می دانند و با تعابیری مانند «جلیل من أصحابنا» و «ثقة» و «عین» از او یاد می کنند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۳-۳۳۴). او از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام است. برخی دیگر او را ضعیف می دانند (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۱؛ همو، ۱۴۲۰، ص ۴۰۲). این تضعیف ناشی از کلام ابن ولید در مورد اوست که می گوید او نمی تواند از یونس روایت نقل کند؛ بنابراین برخی علما روایات او را قبول نمی کنند (ایزدی فرد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۵)؛ ولی ظاهراً مراد این است که فقط در صورتی که محمد بن عیسی در نقل از یونس منفرد باشد، به روایت او توجه نمی کنند (همان، ص ۱۷)، بنابراین منظور آنها تضعیف او به صورت مطلق نیست. در مورد روایت موردنظر در بحث باید گفت با توجه به این که محمد بن عیسی در نقل آن منفرد نیست؛ بنابراین تضعیف یادشده در مورد آن وجود ندارد؛ بنابراین این راوی مورداعتماد است.

راوی دیگر در طریق دوم از سند اول یونس بن عبدالرحمن از یاران امام رضا علیه السلام است. شیخ الطائفه و محقق خویی او را از اصحاب اجماع می شمارند (طوسی، ۱۳۶۳، مشیخه، ص ۳۳۶)؛ بنابراین مورد اعتماد است. در نتیجه سند اول با هر دو طریق آن قابل اعتماد است و می توان گفت اصل کتاب مورد تأیید امام رضا علیه السلام قرار گرفته است. راوی دیگری که کلینی در سند دوم نقل می کند، فردی به نام سهل بن زیاد ابوسعید الآدمی الرازی است که نجاشی او را تضعیف کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۵)؛ ولی شیخ طوسی می گوید او ثقه است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۷). ظاهراً تضعیف او به خاطر غلو است؛ ولی نمی توان نسبت غلو را درباره او پذیرفت؛ زیرا ممکن است منشأ غلو، روایاتی باشد که او در مورد مقام امامان علیهم السلام نقل کرده است؛ بنابراین می توان به روایات او اعتماد کرد.

راوی بعدی حسن بن ظریف است که نجاشی او را ثقه معرفی می کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۱). ظریف بن ناصح روای دیگری است که برخی رجالیان او را ثقه و راستگو توصیف می کنند (همان، ص ۲۰۹؛ حلی، ۱۴۰۲، ص ۹۱)؛ بنابراین می توان به این راوی نیز اعتماد کرد.

راوی دیگری که در سند دوم آمده، مردد بین دو نفر است؛ یا عبدالله بن ایوب قمی است که مجهول است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۷۹) و یا عبدالله بن راشد الزهری است که نجاشی او را ثقه می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۱)؛ اگرچه گفته شده تخلیط در روایات او وجود دارد. بنابراین نمی‌توان به این راوی اعتماد کرد.

راوی آخر در سند دوم عبدالله بن سعید بن حیان بن ابجر است که ثقه و امامی است (همان، ص ۲۱۷). بنابراین قابل اعتماد است.

با توجه به این که عبدالله بن ایوب در سند دوم مجهول است، نمی‌توان به این سند اعتماد کرد؛ اما این روایت از نظر سند اول مورد اعتماد است.

۳-۲-۴. بررسی دلالت روایت

ابتدا با توجه به اختلاف نسخه باید دید کدام یک از نسخه‌ها می‌تواند صحیح باشد. در لغت، «یَفْرِغُ» از باب افعال به معنای الصَّبَّ آمده است؛ یعنی ریختن که واضح است. از سویی واژه «یَفْرِغُ» به معنای ترسیدن آمده است.

(فزع) فلان یَفْرِغُ فَزَعًا: تَقَبُّضُ و نفر من شیء مخیف فهو فزع (ج) فَزَعَهُ والقومُ أغاثهم ونصرهم.

(فَزَعُ) یَفْرِغُ فَزَعًا: خاف و دُعِرَ فهو فَزَعٌ وإلیه: لَجَأٌ و استغاث ومن نومه أُنْتَبِه والقوم: أغاثهم ونصرهم (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ص ۶۸۷).

با توجه به این لغات، چند احتمال در حدیث وجود دارد:

صورت اول این که «یَفْرِغُ عن عرسه» به صورت معلوم خوانده شود؛ به این معنا که مرد در هنگام مجامعت از زن خود ترسید و در نتیجه منی خود را عزل کرد؛ درحالی که اراده عزل نداشت. در این مورد، امام حکم فرموده چون عامل ترسیدن مرد، زن بوده است، پس زن باید ده دینار به عنوان دیه به مرد پرداخت کند.

صورت دوم این که «یَفْرِغُ عن عرسه» به صورت مجهول خوانده شود؛ به این معنا که مرد در هنگام مجامعت از زنش ترسانده شد و در نتیجه با اینکه اراده عزل نداشت، منی خود را عزل کرد. در این موضوع، امام حکم می‌کند شخص مُفْرِغ (ترساننده) باید ده دینار به عنوان دیه ضایع کردن نطفه پرداخت کند.

صورت سوم این که «یَفْرِغُ عن عرسه» به صورت معلوم از باب افعال خوانده

شود. بعضی فقها آن را به معنای عزل گرفته‌اند؛ به این معنا که مرد منی خود را از زنش عزل می‌کند. صاحب ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار روایت را بر همین اساس معنا کرده است (اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۱۰؛ ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۵۳).

ولی به نظر می‌رسد این نسخه از حدیث صحیح نیست؛ زیرا در ادامه روایت می‌فرماید: «فیعزل عنها الماء» و این باعث تکرار می‌شود که قبیح است. به نظر می‌رسد درواقع جمله «یفزغ عن عرسه» در روایت می‌خواهد سبب عزل را بیان کند که همان خوف است.

در نتیجه با توجه به بطلان صورت سوم، بنا بر صورت اول، مرد از همسر خود می‌ترسد و مُفَزَّع زن است؛ در نتیجه زن باید دیه را به مرد پرداخت کند. در این صورت مورد روایت مربوط به زوجه است و منطوق حدیث شامل بیگانه نمی‌شود؛ مگر اینکه از باب تنقیح مناط یا قیاس اولویت، بیگانه را نیز شامل شود.

بنا بر صورت دوم، مرد از همسر خود می‌ترسد؛ ولی باینکه زوجه، در ترساندن مرد مباشر است؛ ولی مُفَزَّع، هم می‌تواند زوجه باشد و هم می‌تواند اجنبی باشد؛ بنابراین روایت عمومیت دارد. طبق این احتمال هرکدام از زوجه یا بیگانه که عامل اصلی در ترساندن باشد، باید دیه را پرداخت کند. برخی فقهاء معتقدند روایت نمی‌تواند مربوط به زوجه باشد؛ بلکه مورد روایت فقط جایی است که بیگانه عامل ترس باشد؛ زیرا میان جنایت والد و غیر او بی‌گمان تفاوت وجود دارد و نمی‌توان جنایت زوجه و بیگانه را در یک سطح قرار داد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۷۴).

با دقت در روایت روشن می‌شود روایت به محل بحث ارتباطی ندارد؛ زیرا در روایت آمده است که مرد به عزل راضی نیست (لم یرد ذلک)؛ یعنی حرمت ازبین‌بردن و ضایع شدن نطفه منوط به رضایت نداشتن زوج است؛ ولی محل بحث در جایی است که بدون در نظر گرفتن رضایت و عدم رضایت افراد، ازبین‌بردن کدام نطفه مصداق سقط محرم شرعی است؟ روایت در مورد سقط نطفه بدون در نظر گرفتن رضایت زوج، ساکت است و از این جهت دلالتی ندارد؛ بنابراین روایت را نمی‌توان دلیلی برای احتمال اول در بحث قرار داد.

در مورد صدر روایت که برای از بین بردن منی مرد، دیه تعیین شده است، باید

گفت مراد نطفه‌ای است که مبدأ پیدایش انسان باشد؛ زیرا در روایت آمده است: «جعل منی الرجل الی أن یکون جنیناً». این فقره نشان می‌دهد مراد از این منی، نطفه مستقر در رحم است؛ زیرا نطفه‌ای که در جداره رحم لانه‌گزینی کرده، مبدأ پیدایش انسان است؛ ولی نطفه پیش از این مرحله چنین خصوصیتی ندارد؛ زیرا در تمام مراحل قبلی، نطفه باید حرکتی رو به جلو داشته باشد تا بتواند به یک انسان تبدیل شود و اگر به حال خود رها شود، از بین می‌رود؛ درحالی‌که جنین وقتی در دیواره رحم جای گرفت، برای رشد به حرکت دیگری نیاز ندارد و اگر به حال خود رها شود، به یک انسان تبدیل می‌شود؛ بر خلاف مراحل قبل. در مراحل قبل اگرچه لقاح میان اسپرم و تخمک انجام شده باشد؛ ولی سلول لقاح‌یافته باید برای این که به یک انسان شود، خود را به جداره رحم برساند.

۴-۳. روایت سوم

روایتی است که کلینی ذیل عنوان «باب المرأة یرتفع طمثها من علّة فتسقی الدواء لیعود طمثها» در کتاب شریف کافی می‌آورد: «ابن محبوب عن رفاعة قال قلت لأبی عبد الله علیه السلام أشتري الجارية فربما احتبس طمثها من فساد دم أو ریح فی الرحم فتسقی الدواء لذلك فتطمث من یومها أفیجوز لی ذلک وأنا لا أدری ذلک من حبل هو أو من غیره فقال لی لا تفعل ذلک فقلت له إنه إنما ارتفع طمثها منها شهراً ولو کان ذلک من حبل إنما کان نطفة کنطفة الرجل الذی یعزل فقال لی ان النطفة اذا وقعت فی الرحم تصیر الی علقة ثم الی مضغة ثم الی ما شاء الله وإن النطفة إذا وقعت فی غیر الرحم لم یخلق منها شیء فلا تسقها دواءً اذا ارتفع طمثها شهراً وجاز وقتها الذی کانت تطمث فیه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۰۸).

راوی می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم کنیزی خریدم که به خاطر عفونت خونی یا به خاطر بادی که در رحم دارد، خون نمی‌بیند. سپس دارویی می‌خورد و در همان روز خون می‌بیند. آیا چنین کاری جایز است؛ درحالی‌که من نمی‌دانم خون ندیدن او به خاطر بارداری است یا علت دیگری دارد. امام فرمود این کار را انجام نده. راوی عرض می‌کند یک ماه است که خونس قطع شده است. اگر خون ندیدن به جهت بارداری نیز هم باشد، حمل به صورت نطفه در رحم وجود دارد [که ظاهراً

از بین بردن آن حرمتی ندارد؛ مانند نطفه‌ای که مرد آن را عزل می‌کند. امام در پاسخ می‌فرماید نطفه زمانی که در رحم قرار می‌گیرد، به علقه و سپس به مضغه و سپس به آن چه خدا می‌خواهد، تبدیل می‌شود؛ ولی زمانی که نطفه بیرون از رحم قرار گیرد (عزل)، از آن چیزی به وجود نمی‌آید. بنابراین وقتی خونریزی قطع شد، نباید دارو مصرف کند؛ ولی اگر بدون مصرف دارو خون ببیند، خوردن دارو اشکالی ندارد.

۱-۳-۴. وجه استدلال به روایت

در این روایت، ندیدن خون می‌تواند ناشی از حمل یا عفونت خونی یا نفخ رحمی باشد. در این صورت امام با توجه به این که احتمال بارداری وجود دارد، از خوردن دارویی که سبب آمدن خون می‌شود و ممکن است جنین را از بین ببرد، منع می‌کند. بنابراین باید گفت نطفه حتی اگر فقط در رحم ریخته شده باشد، از بین بردن آن جایز نیست؛ زیرا احتمال بارداری وجود دارد. در نتیجه صرف افراغ منی در رحم باعث استقرار نطفه است و از بین بردن آن حرام است.

۲-۳-۴. بررسی سند روایت

صاحب کافی سند را این گونه آورده است: «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن رفاعه بن موسى النخاس قال قلت لأبي عبدالله...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۸).

راوی اول در سند احمد بن محمد بن عیسی الاشعری است که علمای رجال در وصف او می‌گویند او ثقه، فقیه و چهره شناخته شده شهر قم و دارای تألیفات متعددی است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۰؛ همو، ۱۳۷۳، ص ۳۵۱؛ حلی، ۱۳۸۱، ص ۷۹)؛ بنابراین قابل اعتماد است.

راوی دیگر الحسن بن محبوب السراد است که در وصف او گفته شده: ثقه و جلیل‌القدر است و ممکن است از اصحاب اجماع باشد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۲؛ حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱؛ کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۵۱).

راوی دیگر رفاعه بن موسی النخاس است که ثقه و مورد اعتماد است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۹۶). حاصل آنکه روایت صحیح و قابل اعتماد است.

۳-۳-۴. بررسی دلالت روایت

با اندکی دقت مشخص می‌شود این روایت در مورد نطفه‌ای است که در رحم استقرار دارد؛ نه نطفه‌ای که افرار در رحم شده است یا نطفه‌ای که تنها به سلول لقاح یافته شده است. راوی می‌گوید: «کنیز یک ماه است که خون ندیده است»؛ یعنی فرض روایت این است که کنیز عادت ماهانه خود را از دست داده است؛ ولی در قطع خونریزی، سه احتمال قابل تصور است: یا عفونت خونی رخ داده است یا به جهت نفخ رحمی است و یا این که نطفه به یک جنین در رحم تبدیل شده است؛ بنابراین باید گفت یکی از طرف‌های احتمال در روایت، نطفه‌ای است که به جنین تبدیل شده و باعث قطع خونریزی شده است. ولی احتمال بارداری به عنوان یکی از طرف‌های احتمال در روایت مطرح نیست. در نتیجه اگر حبس خون در فرض روایت به سبب بارداری باشد، این احتمال بارداری، ناشی از نطفه‌ای است که در رحم استقرار یافته است، بنابراین احتمالات دیگر (افرار نطفه در رحم و تشکیل سلول لقاح یافته بدون لانه‌گزینی) خارج از فرض روایت ارزیابی می‌شود.

نکته دیگری نیز در روایت وجود دارد و آن این که گفتگوی بین امام و راوی نشان می‌دهد یک اماره عرفی بر بارداری در ارتکاز راوی وجود دارد و آن این که عرف خون ندیدن زن را یکی از نشانه‌های بارداری به شمار می‌آورده است و اکنون نیز به شمار می‌آورد. در واقع ارتکازی که در ذهن سامع وجود دارد، مؤید وجود اماره عرفی بر بارداری در زمان صدور روایت است.

ممکن است گفته شود مراد امام در این روایت این است که به محض این که نطفه در رحم قرار گرفت، حرمت می‌یابد و از بین بردن آن حرام است؛ زیرا امام می‌فرماید: «ان النطفة إذا وقعت فی الرحم تصیر إلى العلقة ثم إلى المضغة...»؛ یعنی نطفه همین که در رحم واقع شد، از بین بردن آن حرام است.

در پاسخ باید گفت مراد از «وقعت» در روایت «استقرت» است؛ به این دلیل که نطفه‌ای در روایت مدنظر است که به علقه و بعد مضغه تبدیل شود. بنابراین مطلق نطفه‌ای که در رحم قرار می‌گیرد، مراد نیست؛ بلکه مراد نطفه‌ای است که به علقه تبدیل می‌شود؛ یعنی همان نطفه‌ای که در دیواره رحم قرار می‌گیرد و به علقه تبدیل

می‌شود؛ زیرا هر نطفه‌ای که در رحم ریخته می‌شود یا هر نطفه‌ای که لقاح می‌یابد، تبدیل به علقه نمی‌شود؛ بلکه بسیاری از آنها از بین می‌روند.

با دقت در تغییراتی که در نطفه پس از ورود به رحم ایجاد می‌شود، معلوم می‌شود که بین نطفه‌ای که در مرحله لانه‌گزینی قرار دارد و نطفه در مراحل قبلی، تفاوت اساسی وجود دارد؛ با این بیان که اگر نطفه در مرحله لانه‌گزینی به حال خود رها شود، به علقه تبدیل می‌شود؛ درحالی‌که در مراحل قبلی - چه در مرحله‌ای که نطفه وارد رحم می‌شود و چه پس از لقاح - در هر دو صورت اگر نطفه به حال خود رها شود، از بین می‌رود؛ یعنی در هر مرحله نطفه نیاز دارد به مکان بعدی برسد تا بتواند به رشد خود ادامه دهد؛ ولی در مرحله لانه‌گزینی، نطفه به محل استقرار و قرار مکین خود رسیده است.

اگر گفته شود پس از لانه‌گزینی جنین نیز نمی‌توان گفت جنین استقرار یافته است؛ زیرا ممکن است مراد از استقرار، مطلق استقرار باشد؛ یعنی هم استقرار از حیث مکان و هم از حیث حالت. بنابراین اگرچه نطفه در دیواره رحم جای گرفته است؛ ولی هنوز دچار تغییر حالت می‌شود؛ یعنی تبدیل به علقه و سپس مضغه می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان گفت نطفه مستقر شده است.

در پاسخ باید گفت مراد از استقرار در روایات، استقرار مکانی است، نه استقرار یک حالت خاص؛ زیرا نطفه از بدو آفرینش دارای حرکت است و زمانی از حرکت باز می‌ایستد که در دیواره رحم قرار گیرد؛ ولی در مورد حالت، نطفه دائم در حال تغییر و تحول است و از این جهت استقراری برای آن قابل تصور نیست.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این نوشتار گذشت، روشن شد از نظر دانش پزشکی، نطفه‌ای که در دیواره رحم لانه‌گزینی کرده است، می‌تواند منشأ وجود یک انسان باشد؛ ولی در مراحل قبل اگرچه فعل و انفعالاتی صورت می‌گیرد؛ ولی نمی‌توان گفت نطفه اقتضای وجود یک انسان را دارد و در رحم مستقر شده است؛ بلکه نطفه از زمانی که وارد رحم می‌شود تا زمانی که به مرحله لانه‌گزینی می‌رسد، در یک سرگردانی به سر می‌برد؛ زیرا در هر لحظه امکان دارد به صورت طبیعی از بین برود و نتواند به

حرکت خود ادامه دهد. ولی زمانی که در جداره رحم قرار گرفت، به صورت طبیعی می‌تواند به حرکت خود ادامه دهد. به دیگر سخن می‌توان گفت نطفه تا پیش از مرحله لانه‌گزینی در مرحله مقتضی (شرایط) دچار مشکل است؛ ولی پس از این مرحله، آنچه می‌تواند ادامه رشد او را متوقف کند، ایجاد مانع است؛ ولی از حیث اقتضا مشکلی ندارد.

در ادامه با بررسی روایات مربوط به جنین روشن شد این روایات در مورد نطفه‌ای است که در رحم لانه‌گزینی کرده باشد. این مهم با توجه به قراین موجود در روایات که در متن به آن اشاره شد، به دست آمد، بنابراین با توجه به این که روایات موردنظر همگی احتمال سوم در مسئله را تقویت می‌کند و از سویی قرینه عرفی و قراین دیگری نیز مؤید این احتمال به شمار می‌رود، می‌توان نتیجه گرفت مراد از استقرار نطفه در رحم، لانه‌گزینی جنین در دیواره رحم است. در واقع زمانی حرمت سقط تصور می‌شود که جنین پس از لقاح در مرحله لانه‌گزینی قرار داشته باشد. در نتیجه از بین بردن نطفه در بدو ورود به رحم یا پس از انجام لقاح، ظاهراً حرمتی ندارد؛ زیرا روایاتی که در مورد سقط جنین وارد شده، همگی ناظر به مرحله لانه‌گزینی است، طبق این بیان، خوردن داروهایی که سبب از بین رفتن جنینی شود که در مرحله لانه‌گزینی است، حرمت می‌یابد؛ ولی اگر خوردن دارویی سبب از بین رفتن جنین پیش از مرحله لانه‌گزینی شود، دلیلی بر حرمت آن نمی‌توان اقامه کرد. با توجه به ادله یادشده می‌توان گفت حرمت سقط در مرحله لانه‌گزینی جنین قابل تصور است؛ ولی در مراحل قبل حرمتی ندارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابراهیم مصطفی و دیگران (۱۴۱۰ق). المعجم الوسيط. ترکیه: دار الأعلام.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). الرجال. (محقق: محمدرضا حسینی جلالی)، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث.
۴. ابن فارس بن زکریا، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
۶. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۷. اصفهانی، محمدباقر (مجلسی دوم) (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. (محقق و مصحح: سید مهدی روحانی)، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. اصفهانی، محمدباقر (مجلسی دوم) (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ع). (محقق و مصحح: سید هاشم رسولی)، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۹. ایزدی فرد و دیگران (۱۳۹۵). نقد نگره تضعیف محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۱۳، ۲، ۱۳۹۵.
۱۰. بحر العلوم، محمد بن مهدی بن مرتضی (بی تا). الفوائد الرجالیة. تهران: مکتبة الصادق (ع).
۱۱. برقی، احمد بن محمد (بی تا). الرجال. (مصحح: محمدکاظم میاموی)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ش). ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق). رجال العلامة الحلی. (مصحح: محمدصادق بحر العلوم)، قم: الشریف الرضی.
۱۴. رضوی، شهناز و زهره کامکار و محمدهادی امین تاجی (۱۳۸۹). مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین شناسی. پژوهش های علم و دین، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۵۹-۱۸۲.
۱۵. رضوی، شهناز و زهره کامکار و محمدهادی امین تاجی (۱۳۹۰). جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین شناسی. پژوهش های علم و دین، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۳-۳۸.
۱۶. صدر، احمد و دیگران (۱۳۸۳). دائرة المعارف تشیع. تهران: نشر شهید محبی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعه وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول. [بی جا]: مکتبة المحقق الطباطبائی.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی. (محقق: جواد قیومی اصفهانی)، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. (محقق: حسن خراسان: مصحح: محمد آخوندی)، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۰. قائنی، محمد (۱۴۲۷ق). *المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة (المسائل الطبية)*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۷ق.
۲۱. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال* (محقق: مهدی رجائی). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری)، قم: دار الکتب الإسلامية.
۲۳. معلوف، لوئیس (۱۹۹۲م). *المنجد فی اللغة والأعلام*. بیروت: دار المشرق.
۲۴. معینی، محسن و محمد مهدی آخوندی (۱۳۸۷). *تكوين و تکامل جنین: آغاز حیات. دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران*. تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران - وزارت بهداشت. درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹ - ۳۱۲.
۲۵. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق). *کلمات سدیة فی مسائل جدیدة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. (محقق: سید موسی شبیری زنجانی)، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۸. خبرگزاری ایمن (جستجو برای «قاعدگی»)، تاریخ دستیابی: ۱۰ بهمن ۱۴۰۰، در: <https://www.imna.ir/news/508873/>
۲۹. سازمان علمی و آموزشی فرادرس (جستجو برای «رشد جنین»)، تاریخ دستیابی: ۱۰ بهمن ۱۴۰۰، در: <https://blog.faradars.org>